

فرایندهای واجی تقویت در گونه‌های کردی ایلامی^۱

الهام ثباتی^۲

دانش آموخته دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی

طاهره افشار^۳

استادیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه ایلام

چکیده

نوشتار پیش رو با هدف شناسایی فرایندهای واجی «تقویت» موجود در پنج گونه زبانی کردی ایلامی شامل ارکوازی، خزلی، شیروانی، ملکشاهی و فیلی براساس چارچوب نظریه واج‌شناسی زایشی انجام شده است. در فرایند تقویت، تغییرات آوایی در محور ناسوده به سایشی و سپس به انسدادی رخ می‌دهد. داده‌های پژوهش از راه مصاحبه با صد گویشور بومی بی‌سواد و باسواد زن و مرد در سنین بین ۳۰ تا ۸۵ سال گردآوری شده‌اند؛ افزون بر این، نگارندگان نیز گویشور گونه کردی فیلی و آشنا به سایر گونه‌ها هستند. داده‌های به‌دست‌آمده بر مبنای الفبای بین‌المللی «آی‌پی‌ای» آوانگاری شده‌اند. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است. برخی از مهم‌ترین دستاوردهای پژوهش عبارت‌اند از: ۱- در گونه‌های کردی ایلامی فرایند درج واحد آوایی نسبت به سایر فرایندهای واجی تقویت، دارای بسامد بیشتری است. ۲- در واژه‌های عاریتی که به خوشه همخوانی پایانی ختم می‌شوند و عضو دوم خوشه یکی از همخوان‌های /l/ یا /r/ است، آن هجا شکسته می‌شود و پیش از همخوان‌های یادشده واکه /θ/ درج می‌شود تا اصل رسایی رعایت شود. ۳- در گونه‌های کردی ایلامی همخوان سایش چاکنایی /h/ در ابتدای هجا به همخوان جلودهانی و تیغه‌ای [s] تبدیل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تقویت، واج‌شناسی زایشی، گونه‌های کردی ایلامی، فرایندهای واجی، درج.

۱- مقالات این شماره با تأخیر در سال (۱۳۹۸) پذیرش و چاپ شده‌اند.

elhamsobati@yahoo.com

۲- پست الکترونیکی:

t.afshar@ilam.ac.ir

۳- پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

۱- مقدمه

آگاهی از وجود گونه‌های زبانی موجود در هر جامعه، در آن جامعه مهم است؛ زیرا جزئی از فرهنگ، اصالت و هویت آن محسوب می‌شوند. بسیاری از زبان‌شناسان که به اهمیت مطالعه گونه‌های زبانی آگاه هستند، حتی به مطالعه گونه‌های زبانی‌ای که گویشوران بسیار کمی دارند، پرداخته‌اند؛ اما متأسفانه در ایران بسیاری از گونه‌های زبانی با توجه به تعداد زیاد گویشوران آن‌ها، نادیده گرفته شده‌اند، یا آن‌چنان که شایسته است درباره آن‌ها مطالعه نشده است. یکی از این گونه‌ها، گونه کردی رایج در استان ایلام و لهجه‌های مختلف آن است. از آنجاکه یکی از راه‌های شناسایی بخشی از ویژگی‌های زبان، مطالعه واج‌شناسی^۴، به‌ویژه فرایندهای واجی^۵ آن زبان است، پژوهش حاضر به توصیف و تحلیل فرایندهای واجی تقویت^۶ موجود در «پنج» گونه کردی ایلامی مانند ارکوازی^۷، خزلی (خیروند)^۸، شیروانی^۹ و ملکشاهی^{۱۰} با محوریت کردی استان ایلام (کردی فیلی)^{۱۱} می‌پردازد. در نمودار زبان‌های ایرانی، کلباسی (۱۳۸۸: ۳۵) گونه‌های کردی ایلامی را یکی از گونه‌های شاخه کردی جنوبی به‌شمار می‌آورد. براساس نمودار زبان‌های ایرانی، کردی جنوبی شاخه‌ای از گویش‌های^{۱۲} جنوب غربی زبان‌های ایرانی نو محسوب می‌شود و خواهر زبان فارسی است و با آن ریشه مشترک دارد. سارایی (۱۳۷۹: ۳۵)، در تقسیم‌بندی گویش‌های کردی برحسب موقعیت جغرافیایی، کردی جنوبی را شامل کلهری^{۱۳}، فیلی و لکی^{۱۴} می‌داند و نیز اشاره می‌کند که به این گویش در استان ایلام و مناطقی از کشور عراق، از جمله شهرهای مندلی و خانقین تکلم می‌شود.

تاکنون پژوهش‌های کمی فرایندهای واجی را در گونه‌های کردی ایلامی بررسی کرده‌اند، اما چندین اثر دیگر، سایر جنبه‌های زبانی مانند آواشناسی^{۱۵}، صرف^{۱۶} و نحو^{۱۷} این گونه‌ها را مطالعه کرده‌اند. در ادامه، به برخی از این پژوهش‌ها که تاحدودی با موضوع مقاله مرتبط هستند، اشاره می‌شود.

-
4. phonology
 5. phonological processes
 6. fortition
 7. Arkavazi
 8. Kheirvand
 9. Shirvani
 10. Malekshahi
 11. Feily
 12. dialect
 13. Kalhori
 14. Laki
 15. phonetic
 16. morphology
 17. syntax

بدخشان و زمانی (۱۳۹۲ الف) فرایند حذف ساختاری را براساس نظریهٔ بهینگی با رویکردی هم‌زمانی در گویش کلهری بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند که زبان کردی را باید در دسته‌ای از زبان‌هایی قرار داد که هم از فرایند حذف V_1 و هم از فرایند حذف V_2 به هنگام التقای مصوت‌ها در نقطهٔ تماس پسوند و ریشهٔ واژگانی استفاده می‌کنند و همچنین نشان دادند که همیشه فرایند حذف در نقطهٔ تماس دو واکه برای غلبه بر التقای مصوت‌ها گزینهٔ بهینه نیست و گاه فرایندهای دیگری همانند غلت‌سازی نیز به کار می‌رود؛ همچنین، بدخشان و زمانی (۱۳۹۲ ب) در مقالهٔ دیگری فرایند کشش جبرانی را در گویش کردی کلهری بر پایهٔ نظریهٔ بهینگی تحلیل و توصیف کرده‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش نشان داد که در تمامی فرایندهای کشش جبرانی در این گویش، پس از حذف همخوان آغازین از خوشه‌های همخوانی پایانی هجا، نقض محدودیت توالی رسایی نیز مشاهده می‌شود، اما آن‌ها معتقدند که محرک این فرایند رعایت محدودیت توالی رسایی نیست، بلکه محرک اصلی آن، محدودیت حاشیهٔ هجایی است.

کرد زعفرانلو کامبوزیا و ثباتی (۱۳۹۳) در چارچوب واج‌شناسی زایشی^{۱۸}، فرایندهای واجی همخوانی را در گویش کردی کلهری که یکی از گویش‌های کردی جنوبی محسوب می‌شود، مطالعه کرده‌اند. در این مقاله، انواع فرایندهای واجی شامل همگونی^{۱۹}، حذف در جایگاه میانی و پایانی، درج آغازی و میانی، تضعیف، تقویت و قلب^{۲۰} بررسی شده است. پس از تحلیل داده‌ها در این پژوهش، فرایندهای واجی حذف و تضعیف به مثابهٔ پربسامدترین فرایندهای واجی و درج به منزلهٔ کم‌بسامدترین فرایندهای واجی در این گویش معرفی شدند. کرد زعفرانلو کامبوزیا و دیگران (۱۳۹۴) فرایندهای واجی تضعیف را در گونه‌های کردی ایلامی بررسی کرده‌اند. پژوهشگران با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و براساس رویکرد زایشی، داده‌های جمع‌آوری شده از بیست گویشور بومی را تجزیه و تحلیل کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که در این گونه‌ها، به‌طور معمول دامنهٔ عملکرد تضعیف در پایان هجا است و نبود فرایند تشدید در گونه‌های کردی ایلامی نشان‌دهندهٔ تمایل به حذف خوشه‌های همخوانی در این گونه‌ها است.

ثباتی (۱۳۹۷) فرایند کشش جبرانی واکه را در گونه‌های کردی ایلامی با تکیه بر تحلیل مورایی^{۲۱} بررسی کرده است. با تجزیه و تحلیل داده‌ها مشخص شد که با تحلیل غیر خطی^{۲۲} مورایی به خوبی لایه‌ها

-
18. generative phonology
 19. assimilation
 20. metathesis
 21. moraic analysis
 22. non- linear

نشان داده شدند که دلالت بر کارایی کافی این نظریه برای توصیف فرایند کشش جبرانی بود، همچنین هجاهای گونه‌های کردی ایلامی حداکثر می‌توانند سه‌مورایی باشند و بررسی داده‌ها در این گونه‌ها نشان داد که حذف همخوان‌های مورایی پس از واکه‌های کشیده، سبب تغییر ماهیت واکه می‌شود.

بسیاری از زبان‌شناسان از جنبه‌های مختلف فرایند تقویت را تعریف کرده‌اند. هایمن^{۲۳} (۱۳۶۸: ۱۶۵) فرایند تقویت را معادل پرتوان‌شدن یک آوا می‌داند. وی محیط واکه‌ای^{۲۴} را بهترین محیط برای فرایند تضعیف^{۲۵} و محیط آغاز هجا^{۲۶} را مناسب فرایند تقویت می‌داند. لوشوتسکی^{۲۷} (۲۰۰۱: ۵۱۰-۵۲۴) نیز فرایند تقویت را از لحاظ تولیدی به صورت محور تبدیل ر-آواها^{۲۸} ← ناسوده^{۲۹} ← کناری^{۳۰} ← سایشی^{۳۱} ← انسایشی^{۳۲} ← انسدادی^{۳۳} معرفی می‌کند؛ همچنین لوشوتسکی معتقد است که فرایندهای التقای واکه^{۳۴}، فرایندهای درج^{۳۵}، تشدید^{۳۶}، واکداری^{۳۷} همخوان‌های انسدادی، تبدیل چاکنایی^{۳۸} و بی‌واک^{۳۹} /h/ به همخوان ملازی^{۴۰} [x]، جزء فرایندهای تقویت به‌شمار می‌آیند (۲۰۰۱: ۵۱۰-۵۲۴)؛ ازسوی دیگر، کول^{۴۱} (۲۰۰۷: ۱۶۰) انواع فرایندهای تقویت را شامل فرایندهای انسدادی‌شدگی^{۴۲}، درج واحد واجی^{۴۳}، کشش^{۴۴}، مشددسازی، میان‌هشت^{۴۵} و واک‌رفتگی^{۴۶} می‌داند. با

23. L. M. Hyman

24. vowel

25. lenition

26. syllable

27. H. Ch. Luschutzky

28. rhotic

29. approximant

30. lateral

31. fricative

32. affricate

33. stop

34. hiatus

35. insertion

36. gemination

37. voicing

38. glottal

39. devoicing

40. uvular

41. M. Kul

42. stopping

43. segment

44. length

45. epenthesis

۴۶- (devoicing)، برخی پژوهش‌گران برای دسته‌بندی این فرایند در زمره فرایندهای تضعیف یا تقویت با توجه به نوع همخوان تمایز قائل می‌شوند. برای نمونه، لوشوتسکی (۲۰۰۱: ۵۱۴)، واکدارشدگی همخوان‌های گرفته یا غیر رسا را در زمره فرایند تقویت قرار داده است.

توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد هریک از زبان‌ها، ممکن است که در یک زبان همه فرایندهای واجی تقویت، وجود داشته باشد و در زبانی دیگر تنها تعداد محدودی از این فرایندها رخ دهد. برای دستیابی به اهداف این پژوهش، به پرسش‌های ذیل پاسخ داده می‌شود: ۱- فرایند واجی تقویت چه نوع فرایندهای واجی را در گونه‌های کردی ایلامی دربر می‌گیرد؟ ۲- بسامد کدام یک از فرایندهای واجی تقویت در گونه‌های کردی ایلامی بیشتر است؟

۲- واج‌شناسی زایشی

کنستویچ^{۴۷} (۱۹۹۴: ۲) عقیده دارد که دستور زایشی، رویکردی به زبان‌شناسی است که در دهه ۱۹۵۰ در مؤسسه تکنولوژی ماساچوست^{۴۸} توسط چامسکی^{۴۹} و هله^{۵۰} توسعه یافت. این دستور به‌منزله نظریه-ای معیار در آواشناسی و نحو در ایالت متحده آمریکا است. هنگامی که زبان‌شناسان زایشی به مطالعه واج‌شناسی یک زبان می‌پردازند، سعی در کشف سه نوع کلیت دارند: الف) کشف قواعدی که به تعریف فهرست عناصر واجی زبان از جمله واژه‌ها، همخوان‌ها، هجاها و نواخت‌ها کمک کند؛ ب) تعیین توزیع عناصر در بازنمایی زبان و الگوهای آن (قواعد واج‌آرایی)؛ ج) کشف تناوب‌هایی در قالب تکواژها و نوشتن قواعد واجی براساس تناوب‌ها و بیان گونه‌های مختلف تلفظ این کلمات در جمله (کنستویچ، ۱۹۹۴: ۵۷).

بی‌جن‌خان (۱۳۸۴: ۹) به‌نقل از مک‌کارتی^{۵۱} می‌گوید: «هدف واج‌شناسی زایشی عبارت است از ساختن نظریه‌ای که بتواند فرایندهای واجی رایج در زبان‌های بشری را در چارچوب پارامترهای توصیفی یک انگاره به‌دست دهد.» (۱۹۸۸: ۱۰۴) در ادامه، برخی از مفاهیم بنیادی مطرح در واج‌شناسی زایشی معرفی خواهند شد.

مفهوم واژه^{۵۲}، تکواژ^{۵۳} و واج^{۵۴}: هر جمله به اجزاء کوچک‌تری (از بزرگ به کوچک) قابل تفکیک است از جمله گروه، واژه، تکواژ و واج. واج‌ها به‌تنهایی بی‌معنا هستند. رشته‌ای از واج‌ها که واحدهای معنادار

47. M. Kenstowicz

48. MIT

49. N. Chomsky

50. M. Halle

51. J. McCarthy

52. word

53. morpheme

54. phoneme

زبان را می‌سازند، تکواژ نام دارند و تکواژها کوچک‌ترین واحد معنادار زبان هستند که از آن‌ها واحدهای بزرگ‌تر مانند کلمه، عبارت و جمله ساخته می‌شود (باطنی، ۱۳۶۷: ۱۲۵).

مشخصه‌های تمایزدهنده^{۵۵}: این مشخصه‌ها از جمله مفاهیمی هستند که در واج‌شناسی زایشی از اهمیت خاصی برخوردار هستند و از طریق مختصه‌های تمایزدهنده تعیین می‌شوند. در سال ۱۹۶۸ چامسکی و هله با ارائه دلایلی، مختصه‌های تمایزدهنده را براساس ویژگی‌های تولیدی دسته‌بندی کردند (روبینز^{۵۶}، ۱۳۷۸: ۴۷۳-۴۷۴ و ۴۸۳). در واج‌شناسی زایشی نظام مشخصه‌های تمایزدهنده باید سه ویژگی داشته باشند: الف) باید قادر به توصیف ویژگی‌های دسته‌های طبیعی آواها باشند؛ ب) باید قادر به توصیف تمام تقابل‌های آواها در زبان‌ها باشند؛ ج) باید از لحاظ آوایی قابل تعریف باشند.

قواعد واجی: قاعده‌های به‌کاررفته در انگاره آوایی زبان انگلیسی^{۵۷} قواعدی خطی هستند و به‌صورت مرحله‌ای عمل می‌کنند، یعنی با هربار اعمال‌شدن بر صورت زیرین، یک تغییر بر آن‌ها اعمال می‌کنند تا در نهایت به تولید بازنمایی آوایی یا صورت اشتقاقی مورد نظر منجر شود؛ به عبارتی، به‌وسیله این قواعد می‌توان نمایش‌های واجی را به نمایش‌های آوایی تبدیل کرد (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۳۱).

قواعد پیش‌فرض^{۵۸}: قواعد بی‌نشانی هستند که به قواعد واجی آزاد از بافت نیز مرسوم‌اند. قواعد ازپیش تعیین‌شده یا پیش‌فرض بخشی از «دستور جهانی» محسوب می‌شوند. این قواعد زمانی به‌کار می‌روند که قواعد خاص زبان در مورد تعیین مشخصه‌ای در یک زبان خاص سکوت کرده باشد.

قواعد حشو: قواعدی هستند که فرایندهای واجی متکی به بافت را نشان می‌دهند؛ بنابراین به آن‌ها حساس به بافت^{۵۹} یا قاعده‌های قابل پیش‌بینی نیز گفته می‌شود، این قواعد خاص زبان^{۶۰} هستند.

از جمله مفاهیم بنیادین دیگر در واج‌شناسی زایشی می‌توان به چگونگی کشف بازنمایی زیرین، جدول آی‌پی‌ای و شیوه آوانویسی از دیدگاه زبان‌شناسان زایشی اشاره کرد (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۳۱)؛ به عبارتی چامسکی و هله با مطالعه دستگاه گفتار انسان و امکانات تولیدی آن، ۱۸ مشخصه واجی را مطرح کردند که ۳۶ امکان داشتند. این امکانات با فعال‌شدن یا غیر فعال‌ماندن هر مشخصه به‌صورت

55. distinctive features

56. R. H. Robins

57. SPE (The Sound Pattern of English)

58. default rules

59. context-sensitive

60. language specific

منفی یا مثبت ایجاد می‌شوند. در انگاره آوایی زبان انگلیسی هر واج به صورت مشخصه‌های دوازده‌گانه (ارزش‌های + و -) در نظر گرفته می‌شوند و تقابل‌های واجی و هم‌آوایی باهم مطرح می‌شوند (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۳۱). در واج‌شناسی زایشی، «چهار» نوع رابطه تعاملی میان قواعد واجی در نظر گرفته می‌شود (کنستویچ و کیسه‌برت^{۶۱}، ۱۹۷۹: ۲۹۱-۳۱۸):

۱- تعامل زمینه‌چینی^{۶۲}: هرگاه توصیف ساختی قاعده A مهیا نباشد و پس از اعمال شدن قاعده B این توصیف ساختی فراهم شود، آنگاه می‌گوییم که قاعده B، قاعده A را زمینه‌چینی کرده است.

۲- تعامل زمینه‌برچینی^{۶۳}: هرگاه توصیف ساختی قاعده A مهیا نباشد، اما کارکرد زود هنگام قاعده B، نقش آفرینی قاعده A را مختل کند، در این صورت می‌گوییم قاعده B، قاعده A را زمینه‌برچینی کرده است.

۳- تعامل عکس زمینه‌چینی^{۶۴}: هرگاه قاعده A توصیف ساختی قاعده B را نه زمینه‌برچینی و نه زمینه‌چینی کند ($A < B$)، اما در صورتی که رابطه معکوس شود ($B > A$) آنگاه قاعده B، قاعده A را به گونه‌ای نامطلوب زمینه‌برچینی می‌کند، می‌گوییم رابطه اولیّه از نوع عکس زمینه‌چینی بوده است.

۴- تعامل عکس زمینه‌برچینی^{۶۵}: هرگاه قاعده A توصیف ساختی قاعده B را نه زمینه‌برچینی و نه زمینه‌چینی کند؛ اما اگر این رابطه معکوس شود، انگار قاعده B، قاعده A را به گونه‌ای نامطلوب زمینه‌برچینی می‌کند، می‌گوییم رابطه اولیّه از نوع عکس زمینه‌برچینی بوده است (کنستویچ و کیسه‌برت، ۱۹۷۹: ۲۹۱-۳۱۸).

۳- روش پژوهش

به منظور نگارش پژوهش حاضر، داده‌هایی از گونه کردی ایلامی (کردی فیلی) و گونه‌های مشابه آن شامل خزلی (خیروند)، ملکشاهی، ارکوازی و شیروانی با مرکزیت شهر ایلام به طوری که شهر ایلام و حاشیه آن را دربر گیرد، بررسی شدند. نوع پژوهش نظری و روش جمع‌آوری داده‌ها به صورت میدانی - اسنادی و از نوع توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری نوشتار پیش رو شامل صد گویشور کردی زبان بودند. به صورتی که از هر گونه زبانی بیست گویشور (تاحد ممکن مسن، بی سواد و از هر دو

61. Ch. Kisseberth

62. feeding interaction

63. bleeding interaction

64. counterfeeding interaction

65. counterbleeding interaction

جنس) در محدوده سنی ۳۰ تا ۸۵ سال انتخاب و از طریق پرسش‌نامه تدوین‌شده با آن‌ها مصاحبه شده است. در مرحله بعد نگارندگان به‌منابه گویشوران بومی گونه کردی فیلی و آشنا به سایر گونه‌ها، صحت داده‌ها را تأیید یا رد کردند و در آخر پس از اطمینان از صحت داده‌ها، آن‌ها را با استفاده از الفبای آوایی بین‌المللی «آی‌پی‌ای» آوانویسی کردند. در این پژوهش از روش اسنادی و کتابخانه‌ای نیز استفاده شده است، به این صورت که تاآنجا که در مورد این گونه کردی ایلامی و گونه‌های آن، مقاله، پایان‌نامه و کتاب وجود داشته، استفاده شده است؛ در نهایت، به‌منظور درک چگونگی روند تغییرات برای خوانندگانی که به گونه‌های کردی ایلامی آشنایی ندارند، داده‌های پژوهش با زبان فارسی معیار مقایسه شده‌اند و در برخی موارد برای یافتن ریشه و صورت اولیه واژه‌ها، از فرهنگ پهلوی مکنزی استفاده شده است.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱- تقویت

هایمن (۱۳۶۸: ۱۶۵) فرایند تقویت را معادل پرتوان‌شدن یک آوا می‌داند. وی محیط واکه‌ای را بهترین محیط برای فرایند تضعیف و محیط آغاز هجا را مناسب فرایند تقویت می‌داند. کنستویچ (۱۹۹۴: ۳۵) می‌گوید: فرایند تقویت از تبدیل همخوان‌های سایشی به انسدادی در محیط‌هایی اتفاق می‌افتد که همخوان‌ها در ابتدای کلمه، ابتدای هجا، پس از همخوان‌ها و همخوان‌های مشدد دیده می‌شوند. در این قسمت فرایندهای آوایی که به تقویت مربوط می‌شوند، بررسی می‌گردند.

۴-۱-۱- درج واحد آوایی

فرایند درج در مقابل فرایند حذف، نوعی فرایند تقویت محسوب می‌شود. درج، افزودن آوایی اضافه در یک واژه است. درج واکه و همخوان در زبان انگلیسی بسیار معمول است. مانند واژه «people» که به صورت [pipəl] تلفظ می‌شود. این نوع درج، تلفظ توالی دو همخوان متوالی را ساده می‌کند. میان‌هشت نیز نوعی درج است که یک آوای اضافی در یک واژه درج می‌شود. این اصطلاح در آواشناسی و واج‌شناسی استفاده می‌شود و به‌نوعی به درج در میان کلمه اشاره دارد (کریستال^{۶۶}، ۱۹۹۲: ۱۲۳). کرد زعفرانلو کامبوزیا (۱۳۸۵: ۲۷۳) فرایند «درج» را مفهومی کلی می‌داند که عنصر ساختاری جدیدی در یک زنجیره اضافه می‌کند، مانند درج تکواژ منفی یا درج ضمیر در جایگاه فاعل در جمله.

جدول (۱). تناوب \emptyset و n در جایگاه میانی واژه

معادل	واج‌نویسی	صورت	صورت زیرساختی گونه‌های کردی	بازنمایی روساختی گونه‌های کردی
فارسی	معیار	پهلوی	ایلامی	ایلامی
خارجی	χareḏgi	uzdehig	χareḏgi	χarəndgi
سبز	sabz	sabz	sownz
دوازده	davazdah	dwāzdah	dwazdah	dwanza
تراس	teras	teras	tərans
قسط	gest	qest	qənz
یازده	jazdah	yāzdah	jazdah	janza

براساس داده‌های جدول (۱) بین $\emptyset \sim n$ تناوب وجود دارد.

برای تعیین صورت زیرساختی دو فرضیه در نظر گرفته می‌شود:

۱- فرضیه اول: همخوان تیغه‌ای و خیشومی n در زیرساخت هست و در روساخت حذف می‌شود.

۲- فرضیه دوم: همخوان تیغه‌ای و خیشومی n در زیرساخت نیست و در روساخت درج می‌شود.

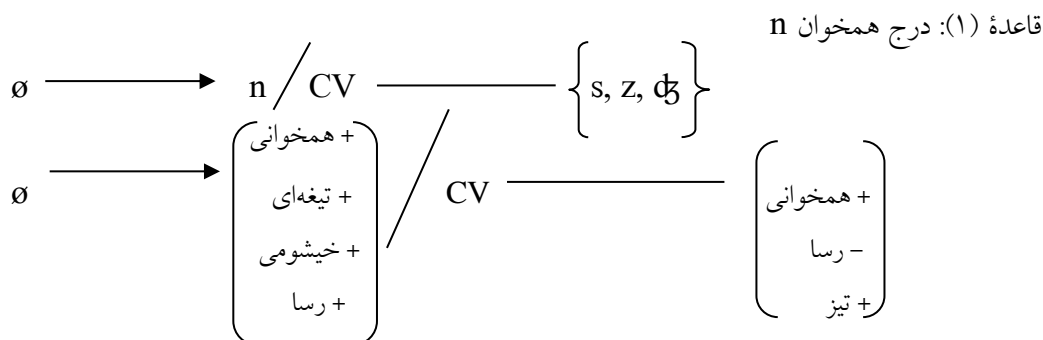
فرضیه دوم تأیید می‌شود، زیرا در خوشه‌های پایانی اگر دو همخوان باشد که عضو اول خوشه مشخصه [-رسا] داشته باشد، یا قلب اتفاق می‌افتد؛ مانند داده‌های جدول (۱)، یا یکی از عضوهای همخوانی حذف می‌شود. در داده‌های این جدول عضو اول توالی همخوانی دارای مشخصه [-رسا] است و عضو دوم مشخصه [+رسا] دارد. در این واژه‌ها برای حفظ اعضای خوشه، یک همخوان با مشخصه [+رسا] درج می‌کنند که به واسطه آن، همخوان [-رسا] را نگه دارد و تنها در این صورت، خوشه دوام می‌آورد و گرنه خوشه از بین می‌رود. به‌طور معمول واژه این واژه‌ها دارای مشخصه [+باز] است. در توالی‌های دو همخوانی بی‌شک باید عضو اول توالی دارای مشخصه [+رسا] و عضو دوم دارای مشخصه [-رسا] باشد تا اصل رسایی رعایت شود. از این رو، در گونه‌های کردی ایلامی برای رعایت شیب رسایی، همخوان تیغه‌ای و خیشومی n را درج می‌کنند. همخوان تیغه‌ای و خیشومی n در واژه‌هایی که همخوان dʒ در آن‌ها وجود دارد، حفظ می‌شود، مانند «گنج»، «پنج»، «خنجر» و

در زیر دو بازنمایی (۱) و (۲) چگونگی روند این تغییرات از زیرساخت تا روساخت را نشان می‌دهند.

بازنمایی (۱): چگونگی تغییر واژه «دوازده»

UR	صورت زیرساختی
#dwazdah#	حذف h پایانی
dwazda	حذف همخوان گرفته از توای دو همخوان در وسط واژه
dwaza	درج n
dwanza	

[dwanza]	PR	بازنمایی (۲): چگونگی تغییر واژه «قسط»
#qest#/	UR	صورت زیرساختی
qes		۱- حذف t پایانی
qens		۲- درج n
qənz		۳- همگونی دو همخوان مجاور در مشخصه واک
[qənz]	PR	



قاعده بالا نشان می‌دهد که همخوان خیشومی و دندانی [n]، در کلمات دوهجایی و سه‌هجایی پیش از همخوان‌های گرفته درج می‌شود.

جدول (۲). تناوب واکه ə و ø در میان خوشه همخوانی پایانی هجا

معادل	واحد نویسی	صورت	صورت زیرساختی گونه‌های کردی	بازنمایی روساختی گونه‌های کردی
فارسی	معیار	پهلوی	ایلامی	ایلامی
سطل	satl	dōl	satl	satəʔ
صفر	sefr	sefr	səfər
عقل	aql	xrad	aql	?aqəʔ
فصل	fasl	kardag	fasl	fasəʔ

با توجه به جدول (۲) بین واکه ə ~ ø یک تناوب در نظر گرفته می‌شود.

برای تعیین صورت زیرساختی دو فرضیه در نظر گرفته می‌شود:

۱- واکه ə در زیرساخت وجود ندارد و در محیط بین دو همخوان در خوشه پایانی درج می‌شود.

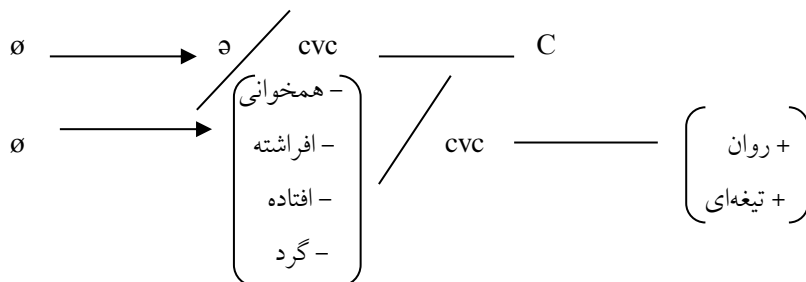
۲- واکه ə در زیرساخت وجود دارد و در محیط بین دو همخوان در خوشه پایانی حذف می‌شود.

بنابر دلایلی فرضیه اول تأیید می‌شود: ۱- در توالی همخوانی اگر عضو اول دارای مشخصه [-رسا]

باشد، برای رعایت اصل رسایی سه حالت برای آن توالی رخ می‌دهد: الف) یکی از دو همخوان حذف

می‌شود؛ ب) فرایند قلب بین دو همخوان رسا و غیر رسا (گرفته) رخ می‌دهد؛ ج) یک واکه بین آن‌ها درج می‌شود. در داده‌های این جدول به‌منظور رعایت اصل رسایی، یک واکه در بین خوشه همخوانی درج می‌شود. دلیل درج واکه شوا [ə] خشی بودن آن است. دلیل نرم‌کامی شدن واج [l] حضور واج‌هایی مانند s و t است که مشخصه [اطباق^{۶۷}] دارند و این مشخصه سبب تأثیرگذاری بر سایر واج‌ها می‌شود و آن‌ها را نیز دارای مشخصه [+افراشته و +پسین] می‌کند.

قاعده (۲): درج واکه ə



قاعده (۲) بیانگر درج واکه خشی [ə] پیش از همخوان‌های رسا، روان و تیغه‌ای [l و r] در بین دو عضو خوشه پایانی است.

۴-۱-۲- انسدادی‌شدگی^{۶۸}

هرگاه هنگام تولید آوایی، بست کاملی در دستگاه گفتار ایجاد شود، آن آوا انسدادی شده است. در واقع به فرایندی که در آن همخوان‌های سایشی به انسدادی تبدیل می‌شوند، انسدادی‌شدگی می‌گویند (کریستال، ۱۹۹۲: ۳۶۵).

جدول (۳). تناوب w و b در محیط ابتدای واژه (تقویت در فارسی معیار)

بازنمایی روساختی گونه‌های کردی ایلامی	صورت زیرساختی گونه‌های کردی ایلامی	صورت پهلوی	واج‌نویسی معیار	معادل فارسی
wajəm	wajəm	badam	بادام
wahar	wahar	wahār	bahar	بهار (فصل)
warin	warin	baridan	باریدن
waŋ	walg	walg, warg	barʃ	برگ
wark	warrag	warān, warrag	bar(r)e	بره
wanowʃa	wanawʃa	banafʃe	بنفشه (اسم خاص)
watʃ	watʃag	waččag	batʃ(tʃ)e	بچه (حیوان)
we:ʃa	we:ʃag	wēšag	bifʃe	بیشه

67. emphatic

68. stopping

با توجه به داده‌های جدول (۳) غلت پسین و ناسوده^{۶۹} w در آغاز هجا به همخوان انسدادی و واکدار b تبدیل شده است؛ بنابراین یک تناوب واجی میان w ~ b در نظر گرفته می‌شود و برای تعیین صورت زیرساختی دو فرضیه مطرح می‌شود:

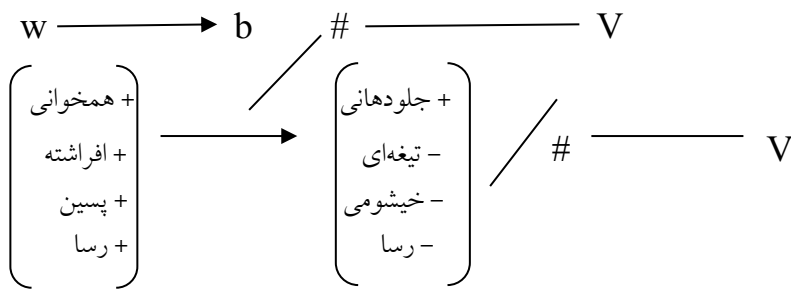
فرضیه اول: واژه‌های موجود در فارسی معیار صورت زیرساختی هستند و غلت ناسوده w در جایگاه آغاز واژه به همخوان‌های انسدادی و واکدار b تبدیل می‌شود.

فرضیه دوم: واژه‌های موجود در گونه‌های کردی ایلامی صورت زیرساختی هستند و همخوان‌های انسدادی و واکدار b در جایگاه آغاز واژه به غلت ناسوده w تبدیل می‌شود.

بر اساس «معیار پذیرفتگی آوایی»^{۷۰} جایگاه آغاز واژه، جایگاه تقویت است و تبدیل غلت به انسدادی نوعی تقویت به‌شمار می‌رود. بر اساس معیار «طبیعی بودن»^{۷۱} فرایند تقویت در موضع آغازی امری طبیعی محسوب می‌شود. شواهد تاریخی، در مورد داده‌های درج‌شده در جدول (۳) فرضیه اول را تأیید می‌کند. غلت /w/ در دوره باستان و میانه نیز وجود داشته است، از جمله 'باد' (wad)، 'باران' (waran)، 'باز' (wad)، 'برگ' (walg/warg)، 'بچه' (wat[age])، 'برف' (wafr)، 'بره' (warrag) و 'بس' (was) (مکنزی، ۱۳۷۹: ۱۵۱-۱۵۲). در زبان فارسی این غلت به همخوان‌های واکدار و جلودهانی [b]، و گاهی [g] تبدیل شده است؛ اما گونه‌های کردی ایلامی صورت زیرساختی غلت /w/ را در نظام واجی خود به‌مثابه یک همخوان حفظ کرده است، واج‌های [w] و [v] در توزیع تکمیلی یکدیگر هستند و در زبان‌هایی مانند عربی و فارسی باستان که غلت ناسوده [w] را دارند، فاقد همخوان سایشی و واکدار [v] هستند؛ به‌بیان دیگر، در زبان فارسی معیار فرایند تقویت از غلت به انسدادی رخ داده است (کرد زعفرانلو کامبوزیا و ثباتی، ۱۳۹۳: ۲۱۱-۲۱۲).

از این رو، فرضیه اول تأیید می‌شود و قاعده آن به‌صورت زیر است:

قاعده (۳): تبدیل w/ به [b]



69. approximant

70. Phonetic acceptability

71. naturalness

قاعدهٔ بالا بیانگر تبدیل غلت پسین و ناسودهٔ /w/ به همخوان انسدادی و واکنار [b] در ابتدای واژه است.

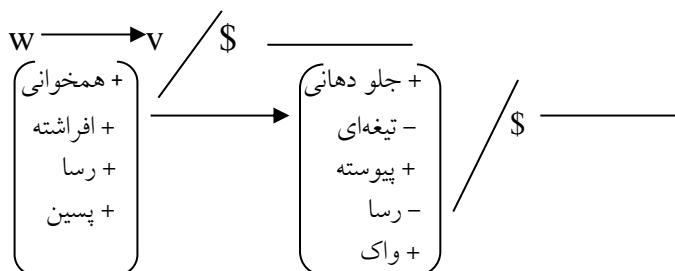
۴-۱-۳- تبدیل ناسوده به سایشی

جدول (۴). تناوب w و v در ابتدای واژه

معادل فارسی	واج نویسی معیار	صورت پهلوی	صورت زیرساختی	گونه‌های کردی ایلامی	بازنمایی روساختی
ویدا (اسم خاص)	vida	wida	wida	
والیه (اسم خاص)	valije	walija	walija	
وجود	voɟud	wəɟud	wəɟud	
وقت (وام‌واژهٔ عربی)	vaɟt	waqt	waxt	
وهاب (وام‌واژهٔ عربی)	vahhab	wahhab	wahab	
وکیل (وام‌واژهٔ عربی)	vacil	āɟdag	wakil	wakil	
وجدان	voɟdan	wəɟdan	wəɟdan	
وطن	vatan	watan	watan	
ولایت	velajət	wələjət	wələjət	
وحشی	vahʃi	wahʃi	wahʃi	

در جدول (۴) با توجه به حضور وام‌واژه‌ها در گونه‌های کردی ایلامی، این گونه استنباط می‌شود که این واژه‌ها به همان شکل اولیّهٔ خود همراه با حضور غلت ناسودهٔ /w/ به گونه‌های کردی ایلامی وارد شده‌اند، اما در فارسی معیار از آنجا که غلت ناسودهٔ /w/ به‌مثابهٔ یک واج به‌شمار نمی‌رود، به همخوان سایشی و واکنار [v] تبدیل می‌شود؛ از این رو، تبدیل غلت /w/ به سایشی [v] نوعی فرایند تقویت در زبان فارسی معیار به‌شمار می‌رود (کرد زعفرانلو کامبوزیا و ثباتی، ۱۳۹۳: ۲۱۰). در حالی که همخوان سایشی و لب و دندان‌ی v در گونه‌های کردی ایلامی واج‌گونهٔ همخوان‌های f و b محسوب می‌شوند و نمونه‌ای از آن در واژه‌های hevda (هفده)، Pavda (عبدل) دیده می‌شود (کرد زعفرانلو کامبوزیا و ثباتی، ۱۳۹۳: ۲۱۰).

قاعدهٔ (۴): قاعدهٔ تاریخی تقویت [v] → w/ در داده‌های فارسی:



قاعده (۴) نشان می‌دهد که غلتِ ناسوده /w/ در ابتدای هجا به همخوان لب و دندانی و سایشی [v] طی یک فرایند تاریخی در داده‌های فارسی معیار تبدیل شده است (کرد زعفرانلو کامبوزیا و ثباتی، ۱۳۹۳: ۲۱۰).

جدول (۵). تناوب **k** و **q** در ابتدای واژه (همگونی واکه و همخوان)

معادل فارسی	واج‌نویسی	صورت	صورت زیرساختی گونه‌های کردی	بازنمایی روساختی گونه‌های کردی
کاغذ	معیار	پهلوی	ایلامی	ایلامی
	kaɣaz	kaqaz	qaqaz
کلاغ	calɔɣ	warāx	kalɔq	qəɫa
کلنگ	colang	kulang	kolang	qwəɫaŋ
کلوخ	colux	kolux	qwəɫux
کنجه (کباب)	cendʒe	kendʒe	qəndʒa

با توجه به داده‌های جدول (۵) میان $k \sim q$ یک تناوب در نظر گرفته می‌شود.

برای تعیین صورت زیرساختی دو فرضیه مطرح می‌کنیم:

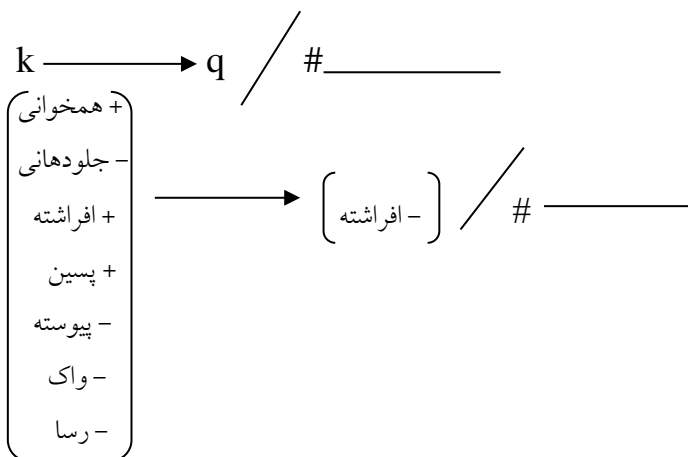
فرضیه اول: همخوان ملازی **q** در زیرساخت وجود دارد و در ابتدای واژه به همخوان نرم‌کامی **k** تبدیل می‌شود.

فرضیه دوم: همخوان نرم‌کامی **k** در زیرساخت وجود دارد و در ابتدای واژه به همخوان ملازی **q** تبدیل می‌شود.

با توجه به شواهد ذیل فرضیه دوم تأیید می‌شود: ۱- همخوان **q** جزء واج‌های زبان پهلوی نبوده و در دوره بعد (فارسی امروز)، همخوان نرم‌کامی **k** به همخوان ملازی **q** تبدیل شده است؛ برای مثال 'قاره' (kifwar)، 'قاشق' (kaftʃaɣ)، 'قاطع' (bringer)، و 'قالب' (kalbod) (مکنزی، ۱۳۷۹: ۲۸۱). ۲- در داده‌های مندرج در جدول (۵) بین واکه و همخوان، فرایند همگونی اتّفاق افتاده است؛ زیرا پسین‌بودن واکه‌های گونه‌های کردی ایلامی سبب پسین‌شدن همخوان مجاور شده است و با بررسی گونه‌های کردی ایلامی می‌توان پی برد که فرایند پسین‌شدگی در این گونه‌ها بسیار متداول است و در بیشتر موارد در محیط پسین این همگونی رخ می‌دهد، مگر اینکه یک واژه با این تغییر به واژه دیگر تبدیل شود که در این صورت، این تغییر رخ نمی‌دهد. واژه‌های موجود در گونه‌های کردی ایلامی که همخوان **q** در آن‌ها حضور دارد؛ مانند 'قابلمه' [qowlama] در گونه کردی ایلامی (فیلی) و 'آدم مغرور' [qwət]، 'قبر' [qowr]. براساس داده‌های این جدول، علت تبدیل همخوان **k** به **q** این است که

در گونه‌های کردی ایلامی همخوان‌های [g و k] نسبت به [c و ʃ] فارسی خیلی پسین‌تر هستند و به همین دلیل در مجاورت واژه‌های پسین به همخوان [q] تبدیل می‌شوند. به دلیل اینکه این فرایند در ابتدای واژه اتفاق می‌افتد، جزء فرایند تقویت محسوب می‌شود.

قاعده (۵): تبدیل /k/ به [q]



قاعده (۵)، بیانگر تبدیل همخوان نرم‌کامی و انسدادی /k/ به همخوان ملازی [q] در ابتدای واژه است.

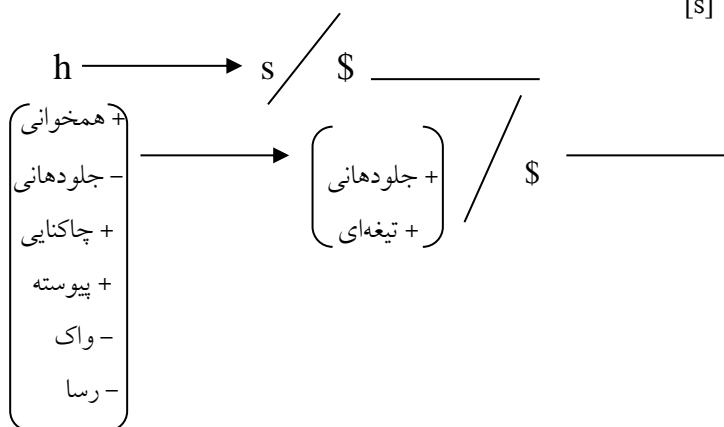
جدول (۶). تناوب s و h در آغاز هجا

معادل فارسی	واج‌نویسی معیار	صورت پهلوی	صورت زیرساختی گونه‌های کردی ایلامی	بازنمایی روساختی گونه‌های کردی ایلامی
آهن	ahan	āhan	ahan	ʔasən
آهنگر	ahanʃar	āhangar	ahangar	ʔasəngar
ماهی	mahi	māhig	mahi	masi
آهو (حیوان)	ahu	āhüg	ahu	ʔasəg

بر اساس داده‌های جدول (۶) می‌توان گفت که در گونه‌های کردی ایلامی فرایند تقویت رخ داده است، این فرایند در ابتدای هجا که جایگاه تقویت است، اتفاق افتاده است. وجود همخوان سایش چاکنایی در واژه‌های پهلوی نشان می‌دهد که این همخوان در زیرساخت واژه‌های گونه‌های کردی ایلامی حفظ شده است و در روساخت این گونه‌ها به همخوان سایشی و لثوی [s] در ابتدای هجا تبدیل می‌شود، یعنی این فرایند تاریخی است؛ البته باید یادآور شد که مشاهده واژه‌ای مانند مه (بزرگ‌تر) که به صورت me:h ← masyah تغییر یافته است، این استدلال را نقض می‌کند و نشان می‌دهد که اصالت با حرف s است که در زبان‌های ایرانی به h تبدیل شده، درحالی‌که در گونه‌های کردی ایلامی

حفظ شده است؛ اما جایگاهی که در این واژه تغییر در آن رخ داده است، انتهای هجا است که به‌طور معمول دست‌خوش فرایند تضعیف می‌شود؛ ازسوی دیگر، به‌دلیل مشاهده واژه‌های فراوان در زبان پهلوی که دارای حرف h هستند و جایگاهی که در گونه‌های کردی ایلامی این تغییر در آن‌ها رخ داده است، جایگاه تقویت است، قاعده آن به‌صورت زیر در نظر گرفته می‌شود.

قاعده (۶): تبدیل همخوان /h/ به [s]



قاعده بالا نشان می‌دهد که همخوان سایش چاکنایی /h/ در ابتدای هجا به همخوان لثوی [s] تبدیل می‌شود.

۶- نتیجه‌گیری

با تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به گونه‌های کردی ایلامی به‌منظور شناسایی فرایندهای واجی تقویت در این گونه‌ها، نتایج زیر به‌دست آمد:

۱- از میان فرایندهای واجی تقویت، فرایندهای درج واحد آوایی، انسدادی‌شدگی و تبدیل همخوان‌های ناسوده به سایشی در گونه‌های کردی ایلامی مشاهده شدند.

۲- در گونه‌های کردی ایلامی فرایند درج واحد آوایی نسبت به سایر فرایندهای واجی تقویت دارای بیشترین بسامد بود.

۳- در واژه‌های قرضی که به خوشه همخوانی پایانی ختم می‌شدند و عضو دوم خوشه یکی از همخوان‌های /l/ یا /r/ بود، آن هجا شکسته می‌شد و پیش از همخوان‌های یادشده واکه [ə] درج می‌شد تا اصل رسایی رعایت شود.

۴- گونه‌های کردی ایلامی صورت زیرساختی غلت w را در نظام واجی خود به‌مثابه یک همخوان حفظ کرده بودند، اما در زبان فارسی این غلت به همخوان‌های واکدار و جلودهانی [v] تبدیل می‌شد و

به بیان دیگر، در زبان فارسی معیار فرایند تقویت از غلت به سایشی رخ داده است.
۵- در گونه‌های کردی ایلامی همخوان سایش چاکنایی /h/ در ابتدای هجا به همخوان جلودهانی و تیغه‌ای [S] تبدیل شده است.

منابع

- باطنی، محمدرضا (۱۳۶۷). *درباره زبان: مجموعه مقالات*. تهران: آگاه.
- بدخشان، ابراهیم و محمد زمانی (۱۳۹۲ الف). تحلیل و توصیف فرایند حذف در زبان کردی (گوش کلهری). *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۵ (۱)، ۱۹-۳۰.
- (۱۳۹۲ ب). تحلیل و توصیف فرایند کشش در گوش کردی کلهری بر پایه نظریه بهینگی. *زبان و زبان‌شناسی*، ۹ (۱۷)، ۱۳۵-۱۴۹.
- بی‌جن‌خان، محمود (۱۳۸۴). *واج‌شناسی نظریه بهینگی*. تهران: سمت.
- ثباتی، الهام (۱۳۹۷). تجزیه و تحلیل کشش جبرانی واکه در گونه‌های کردی ایلامی با تکیه بر تحلیل مورایی. *علم زبان*، ۵ (۷)، ۸۹-۱۰۷.
- روبینز، آر، اچ (۱۳۷۸). *تاریخ مختصر زبان‌شناسی*. مترجم: علی محمد حق‌شناس. تهران: کتاب ماد وابسته به نشر مرکز.
- سارابی، ظاهر (۱۳۷۹). *شاعر قلّه‌های مه‌آلود (به انضمام درآمدهای بر کرد و سیر تاریخی و فرهنگی او و نگاهی دیگر به تاریخ استان ایلام)*. چاپ اول. تهران: گویه.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه (۱۳۸۵). *واج‌شناسی: رویکردهای قاعده‌بنیاد*. تهران: سمت.
- و الهام ثباتی (۱۳۹۳). فرایندهای واجی همخوانی در گوش کردی کلهری. *جستارهای زبانی*، ۵ (۱)، ۱۹۱-۲۲۲.
- و فردوس آقاگل‌زاده (۱۳۹۴). فرایندهای واجی تضعیف در گونه‌های کردی ایلامی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، ۵ (۹)، ۲۰۵-۲۲۳.
- کلباسی، ایران (۱۳۸۸). *فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مکنزی، دیوید نیل (۱۳۷۹). *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*. مترجم: مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هایمن، لاری ام. (۱۳۳۸). *نظام آوایی زبان، نظریه و تحلیل*. مترجم: یدالله ثمره. تهران: فرهنگ معاصر.

Blackwell.

Kenstowicz, M. (1994). *Phonology in Generative Grammar*. Oxford: Blackwell.

----- & Ch. Kisseberth. (1979). *Generative Phonology: Description and Theory*.
New York: Academic Press Inc.

Kul, M. (2007). *The Principle of Least Effort Within the Hierarchy of Linguistic Preferences: External Evidence from English*. Ph.D. dissertation, Poznan, Adam Mickiewicz University.

Luschützky, H. C. (2001). Sixteen possible types of natural phonological processes, in: Charles W. Kreidler (Ed.), 506-524.

McCarthy, J. (1988). Feature Geometry and Dependency: A review. *Phonetica*. 43, 84-108. Amherst: University of Massachusetts.